

## دخانیات (مدخل دانشنامه جهان اسلام)

سعید عدالت‌نژاد

دخانیات، انواع توتون و تنباکو که برای دود کردن به‌کار می‌رود. 1) گیاه‌شناسی. توتون/تنباکو گیاهی است یک‌ساله با نام علمی *Nicotiana tabacum* (به‌افتخار نیکو، سفیر فرانسه در پرتغال که در 1560/967 توتون را شناخته بود) از خانواده سیب‌زمینی به‌ارتفاع یک تا گاهی بیش از دو متر، و دارای برگهایی پهن، بزرگ و منفرد که پس از خشک کردن به مصارف دخانی می‌رسد. این گیاه پوشیده از تارهای غده‌ای چسبناک است و از همه اندامهای آن بویی قوی و ناپسند استنشام می‌شود. از دیگر گونه‌های جنس توتون مانند گونه *N. rustica* نیز تنباکو و گاهی توتون سیگار تهیه می‌شود، اما مرغوبیت گونه نخست را ندارد. برگهای توتون را در ماههای مرداد و شهریور می‌چینند و با اویزان کردن از ناحیه دمبرگ خشک می‌کنند. گاهی به‌جای خشک کردن معمولی، فرایندهایی مانند تخمیر، خیساندن و بودادن برگها را انجام می‌دهند تا به‌جای توتون و سیگار معمولی، انواعی از تنباکوهای معطر به‌دست آید. رویشگاه اصلی توتون، پرو، بولیوی و نواحی گوناگون امریکای جنوبی و مرکزی است، اما در نواحی دیگر کره زمین، به‌ویژه مناطق گرم و معتدل، نیز کشت می‌شود (صحت نیاک، ص 587-591؛ زرگری، ج 3، ص 584-587، 593-594؛ قهرمان، ج 3، ص 217-219). اعضای جنس توتون دارای آلکالوئیدهایی مانند نیکوتین‌اند که با دود کردن برگهایشان وارد گردش خون انسان می‌شوند. این آلکالوئیدها نخست محرک سیستم عصبی‌اند، اما به‌سرعت این اثر را از دست می‌دهند و نوعی سستی را در دستگاه عصبی ایجاد می‌کنند. مصرف درازمدت این مواد به دستگاههای گردش خون، تنفس و گوارش آسیب می‌زند و نوعی مسمومیت مزمن ایجاد می‌کند. به‌همین دلیل اجزا و ترکیبات حاصل از این گیاهان جنبه‌های دارویی درخور توجهی ندارند، اما در دفع انگلهای دامی و آفات زراعی به‌کار می‌روند (آئینه‌چی، ص 474-473؛ زرگری، ج 3، ص 588-593؛ قهرمان، ج 3، ص 219؛ رضائی‌نژاد، ص 254-255). منابع: یعقوب آئینه‌چی، مفردات پزشکی و گیاهان دارویی ایران، تهران 1365ش؛ علی رضائی‌نژاد، گیاهان دارویی ایران: روش شناخت و موارد استفاده، تهران 1389ش؛ علی زرگری، گیاهان دارویی، ج 3، تهران 1368ش؛ نصرت‌الله صحت نیاک، گیاهان کشاورزی ایران، [اهواز، 1351ش]؛ احمد قهرمان، کورموفیت‌های ایران: سیستماتیک گیاهی، ج 3، تهران 1373ش. 2) تاریخ و کاربرد. صرف‌نظر از مباحثی که درباره خاستگاه اصلی گیاه توتون/تنباکو و آغاز استفاده از آن به‌عنوان دارو یا جز آن در میان محققان جریان داشته - چنان‌که برخی منشأ آن را ایران، مصر، چین یا سرزمینهای دیگر آسیایی و تاریخ آن را پیش از قرن نهم/پانزدهم دانسته‌اند- اروپای جدید به‌واسطه مرآده با قاره آمریکا در جریان فعالیت‌های اکتشافی کریستف کلمب با مصرف دخانی توتون/تنباکو آشنا شد و به هر روی، هم مصرف دارویی و هم استفاده دخانی از این گیاه در اروپای قرن شانزدهم میلادی رایج بوده و به‌تدریج از طریق مناسبات اقتصادی و تجاری و نیز در نتیجه فعالیت‌های استعماری کشورهای اروپایی، به‌ویژه پرتغال، اسپانیا و انگلستان، در سرزمینهای افریقایی، آسیایی و اقیانوسیه نیز متداول گردیده‌است (← شاردن، ج 3، ص 303؛ کسروی، ص 3-7؛ کشت و صنعت توتون در ایران، ص 27-33؛ متی، ص 118 و پانویس، ص 119). در جهان اسلام، ترکان عثمانی پس از اروپا، در اواسط قرن یازدهم/هفدهم تدخین را آغاز کردند و از این قرن کشت توتون در تمام نواحی مشرق‌مدیترانه فراگیر شد برای تاریخ‌تقریبی آن عدد اجدی عبارت «بوم تأی السماء» (1000) از آیه 10 سوره دخان را در شعری آورده‌اند (← مدرسی‌طباطبائی، ص 179). معلوم نیست چه نوعی از توتون برای نخستین‌بار به عثمانی وارد شده ولی مشخصاً ظاهر و کیفیت توتونهای این نواحی با مناطق دیگر جهان متفاوت بوده‌است (← کشت و صنعت توتون در ایران، ص 30). یکی از نخستین یادکردها از تدخین توتون در تاریخ عثمانی، در عصر سلطان مراد چهارم (حک: 1033-1048) است که بنابر اعلام حرمت تدخین به فتوای برخی فقها، وی به «سیاست کردن ارباب دخان» (← نعیم، ج 3، ص 348-349) پرداخت و صدها تن از دودکنندگان توتون را به‌سختی شکنجه و اعدام کرد (← کسروی، ص 9-13). با این حال، هم‌زمان با سرزمین اصلی عثمانی، تدخین به‌سرعت در سرزمینهای عربی تابعه چون سوریه، عراق، عربستان و مصر و جز آنها نیز رواج یافت و در بیشتر این مناطق، کاشت و برداشت توتون هم شایع شد (← همان، ص 12-13). در هندوستان ظاهراً کشت توتون در اوایل قرن یازدهم معمول بوده‌است (← کشت و صنعت توتون در ایران، ص 31). گفته شده‌است که توتون از حدود 914 به هند وارد شد، ولی از زمان اکبر (حک: 1014-963) و جهانگیر (حک: 1014-1037) مصرف آن در میان هندیان رایج گردید (متی، ص 123). براساس تاریخ اسدبیگ قزوینی، که در 1011 تا 1015 تألیف شده‌است، توتون در همین سالها به عنوان تحفه از عربستان به دربار جهانگیر آورده‌شد و پیش از آن مردم مکه و مدینه از آن استفاده می‌کردند (← نوروزی، ص 168-169). درباره تاریخ و چگونگی راه یافتن توتون به ایران اختلاف وجود دارد. کسروی (ص 14-16)، بر آن است که ایرانیان از طریق عثمانی و از شمال‌غرب با تدخین آشنا شده‌اند و نه از طریق پرتغالیها و انگلیسیها در جنوب. او سه دلیل برای این امر می‌آورد: مناسبات گسترده و تبادل فرهنگی وسیع ایران و عثمانی؛ استفاده ایرانیان از چپق عثمانی برای تدخین به جای پیپ اروپایی؛ و رواج واژه ترکی توتون (=دود) و چپق\* (ترکی‌شده واژه فارسی چوبک) به‌جای واژه اروپایی‌شده تنباکو (ظاهراً مأخوذ از توپاکوی بومیان آمریکا ← مؤیدی، ص 5). هرچند این دلایل برای اثبات مدعای مورد بحث کافی نیست (برای نقدی بر این دلایل ← د.ایرانیکا، ذیل ("Cöpoq, Çepoq"، شواهد موجود، آغاز ورود دخانیات به ایران را از طریق نخستین فعالیت‌های سوداگران پرتغالی/هلندی در حوزه خلیج‌فارس عصر صفوی در حدود 913 نیز قطعی نمی‌سازند (← متی، ص 118-124). با این حال گفته شده‌است که در حدود سال 999 و حتی پیشتر از آن، توتون و استفاده دخانی از آن در ایران شناخته شده‌بود و حتی اشعاری هم در اشاره به استفاده از قلیان هست که آنها را به نیمه اول قرن دهم نسبت می‌دهند

(— فلسفی، ج 2، ص 657 و پانویس 1 و 2؛ متی، ص 120-121). جزایری که خود در قرن یازدهم می‌زیسته و در 1112 درگذشته است، ورود و استعمال توتون در ایران را به استناد گزارشهایی که آنها را متواتر خوانده اوایل قرن یازدهم ذکر کرده و گفته‌است که شاه‌عباس صفوی برای استعمال‌کنندگان توتون کیفر سنگین تعیین کرده بوده‌است (ج 4، ص 54-56). متی (ص 123، 127) بر آن است که با توجه به اینکه در عصر شاه‌عباس اول صفوی از هندوستان به ایران توتون وارد می‌کردند این احتمال تقویت می‌شود که ایرانیان بیشتر از طریق هندیان با مصرف دخانیات آشنا شده‌باشند و از این‌روی، تاریخ نیمه نخست قرن دهم برای ورود دخانیات به ایران، توجیه‌پذیر خواهد بود. باین‌حال شواهد مختلف نشان می‌دهد که در همان دوره شاه‌عباس اول، مصرف‌کنندگان دخانیات در نواحی شمال‌غربی ایران، توتونهای وارداتی از عثمانی را به‌کار می‌بردند (— اولناریوس، ص 261؛ فلسفی، ج 2، ص 660؛ متی، ص 119). ظاهراً تنباکوی انگلیسی هم در دوره صفوی در ایران شناخته شده‌بود و مصرف می‌شد (— اولناریوس، ص 240؛ شاردن، ج 3، ص 302). به‌این‌ترتیب ایران در عصر صفوی از هر سه بازار هند، عثمانی و اروپا هم‌زمان توتون وارد می‌کرده‌است (— متی، ص 127-128)، ولی بلافاصله پس از آنکه کشت توتون در ایران در قرن یازدهم/ هفدهم آغاز گردید، محصول مرغوب ایرانی هم به هند و هم به عثمانی صادر می‌شد (— شاردن، ج 3، ص 302-303، ج 4، ص 165-166؛ باستانی پاریزی، ص 116، 128؛ فلسفی، ج 2، ص 658). در ادوار بعد نیز ایران همچنان به‌عنوان تولیدکننده و صادرکننده توتون، جایگاه ممتازی در تجارت بین‌المللی دخانیات داشته‌است (— بدیعی، ج 3، ص 194، 406 و پانویس، ص 407؛ متی، ص 223-230). از 1316ش نیز که شرکت دخانیات ایران تولید انحصاری محصولات دخانی ایران را در اختیار گرفت، تولید و فروش داخلی و صادرات این محصولات و نیز واردات انواع خارجی آنها همچنان از مهم‌ترین فعالیت‌های تجاری ایران محسوب می‌شود (— کشت و صنعت توتون در ایران، ص 77-263؛ بدیعی، ج 3، ص 406-407). مصرف دخانیات، عمدتاً به‌صورت کشیدن چپق و قلیان و از قرن سیزدهم/نوزدهم، کشیدن سیگار، در سراسر سرزمین‌های اسلامی رایج و جزئی از زندگی روزانه مردان و زنان بوده‌است (— چپق\*؛ قلیان\*). تاورنیه (ص 638-639)، درباره نخستین دهه‌های ورود توتون به ایران در نیمه قرن یازدهم از اعتیاد شدید مردان و زنان ایرانی به مصرف دخانیات سخن گفته‌است. در افغانستان، آسیای میانه و سرزمین‌های عربی نیز وضع به‌همین صورت بوده‌است و مردان و زنان، چندین نوبت در روز، در خانه‌ها، مهمانیها، شب‌نشینیها و مجالس و مراسم از جمله در روضه‌خوانیها و حتی در مساجد و از همه بیشتر در قهوه‌خانه\*ها، انواع دخانیات را مصرف می‌کرده‌اند و مخالفت‌های گاه و بی‌گاه شرعی یا سیاسی با دخانیات، عملاً کارگر نمی‌افتاده‌است (— اولناریوس، همانجا؛ الفینستون، ج 1، ص 306-307، ج 2، ص 123؛ لین، ص 148، 150، 342، 345؛ کسروی، ص 14-25؛ فلسفی، ج 2، ص 658-664؛ حبیبی، ص 84-86؛ متی، ص 127-143، 222-235؛ طباطبائی اردکانی، ص 509). سیگار در قرن سیزدهم/نوزدهم به جهان اسلام وارد شد و هرچند اوایل چندان مورد استقبال طبقات بالاتر قرار نگرفت، قیمت ارزان‌تر و ساده‌بودن استفاده از آن، موجب رواج آن در میان افراد طبقات پایین‌تر شد و سپس جوانان و متجددان به آن روی آوردند؛ به‌طوری‌که سیگار در حال حاضر رایج‌ترین ماده دخانی مصرفی در میان همه طبقات اجتماعی محسوب می‌شود. برخلاف دهه‌های اخیر که سیگارهای بسته‌بندی‌شده کارخانه‌ای در همه جا رایج است، در گذشته افراد خود سیگارشان را می‌پیچیدند؛ توتون و کاغذ را از بازار می‌خریدند و هر بار به اندازه دلخواه — گاه کوچکتر از اندازه معمولی و گاه دو برابر آن — توتون را لای کاغذ می‌ریختند و کاغذ را لوله می‌کردند؛ این سیگارها و نیز سیگارهای کارخانه‌ای ابتدا فیلتر نداشتند و از این‌رو برخی آنها را با مُش‌توک (لوله‌های مقوایی) یا با چوب سیگار می‌کشیدند (— مقدم‌گل‌محمدی، ج 1، ص 469-471؛ محمد عبدالهادی جمال، ص 332-334؛ طباطبائی اردکانی، ص 511). فقرا هم که قدرت خرید سیگار را نداشتند از تمایز سیگارهای مستعمل استفاده می‌کردند، زیرا کشیدن سیگارهای بی‌فیلتر تا آخر مقذور نبود و افراد برای پرهیز از سوختن لبها و دستها، ته سیگار را دور می‌انداختند (— شهری‌یاف، 1381ش، ج 4، ص 460). رواج یافتن سیگار، به‌تدریج مشاغل مرتبط با دخانیات را نیز تحت‌تأثیر قرار داد؛ غیر از اشتغال‌یافتن شمار بیشتری از مردم به کشت و تولید و فرآوری توتون سیگار، در مقایسه با تولیدکنندگان توتون چپق و تنباکوی قلیان و سازندگان چپق و قلیان و اجزای آن مثل نی‌پیچ‌سازان قلیان، تنباکوفروشان، توتون‌کوبان/توتون‌چیان و زغال‌فروشان (— تحویلدار، ص 109، 115، 120؛ نجمی، ص 132؛ شهری‌یاف، 1367-1368ش، ج 3، ص 386-393؛ همو، 1381ش، ج 1، ص 433-445؛ طباطبائی اردکانی، ص 512-513؛ حبیبی، ص 85)، سیگارپیچی و سیگارفروشی نیز به‌صورت یکی از مشاغل اصلی مردم و به‌ویژه جوانان درآمد و در کنار آن، ساخت چوب سیگار، قوطی سیگار، زیرسیگاری و کبریت و فندک، علاوه بر ایجاد اشتغال در سطح تجاری (— شهری‌یاف، 1367-1368ش، ج 3، ص 366-475؛ همو، 1381ش، ج 1، ص 447-453)، بستر برخی فعالیت‌های هنری هم گردید؛ همچنان که ساخت و تهیه چپق و قلیان نیز در گذشته ابعاد هنری درخور توجهی کسب کرده‌بود (— سمسار، ص 14-25). نیز — تحریم تنباکو\*؛ چپق\*؛ قلیان\*؛ قهوه‌خانه\*منابع: محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران 1367ش؛ ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، تهران 1362ش؛ ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، چاپ حمید شیرانی، تهران 1363ش؛ حسین‌بن محمدابراهیم تحویلدار، جغرافیای اصفهان، چاپ منوچهر ستوده، تهران 1342ش؛ نعمت‌الله‌بن عبدالله جزایری، الأنوار النعمانیة، بیروت 1984/1404؛ عزیز جاسم حبیبی، بغدادیات: تصویر للحياة الاجتماعية و العادات البغدادية خلال مائة عام، بغداد 1967؛ محمدحسن سمسار، «نظری به پیدایش قلیان و چپق در ایران»، هنر و مردم، دوره جدید، ش 17 (اسفند 1342)؛ جعفر شهری‌یاف، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، تهران 1367-1368ش؛ همو، طهران قدیم، تهران 1381ش؛ محمود طباطبائی اردکانی، فرهنگ عامه اردکان، تهران 1381ش؛ نصرالله فلسفی، زندگانی شاه‌عباس اول، ج 2، تهران 1353ش؛ احمد کسروی، تاریخچه چپق و قلیان، تهران 1335ش؛ کشت و صنعت توتون در ایران، تهران: شرکت دخانیات ایران، 1355ش؛ محمد عبدالهادی جمال، الحرف والمهن والانشطة التجارية القديمة فی الکویت، کویت 2003؛ حسین مدرسی طباطبائی، تاریخیات: مجموعه مقالات و تحقیقات تاریخی، نیوجرسی 1387ش؛ محمد مقدم گل‌محمدی، توپسرکان، ج 1، تهران 1378ش؛ مهدی مؤیدی، «پیدایش توتون و تنباکو»، در انحصار دخانیات ایران، [تهران]: مؤسسه انحصار دخانیات ایران، [?] 1355ش؛ ناصر نجمی، طهران عهد ناصری، تهران 1364ش؛ مصطفی نعیم، تاریخ نعیم، [استانبول] 1281-1283؛ جمشید نوروزی، «تاریخ‌نگاری

یک مهاجر ایرانی در سرزمین هند؛ بررسی تاریخ‌نگاری اسدیگ قزوینی»، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال 19، دوره جدید، ش 1 (بهار 1388)؛ Jean Chardin, *Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient*, ed L. Langlés, Paris (1811; Mountstuart Elphinstone, *An account of the Kingdom of Caubul*, Karachi 1972; Elr., s.v. "Čopoq, Čepoq" (by Willem Floor); Edward William Lane, *An account of the manners and customs of the modern Egyptians*, London 1986; Rudi Matthee, *The pursuit of pleasure: drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900*, Princeton, N.J. 2005; Adam Olearius, *The voyages and travells of the ambassadors sent by Frederick Duke of Holstein, to the great Duke of Muscovy, and the king of Persia, begun in the year M.DC.XXXIII. and finish'd in M.DC.XXXIX. containing a compleat history of Muscovy, Tartary, Persia, and other adjacent countries*, Faithfully rendered into English by John Davies, London [1669].

3) با ورود توتون به کشورهای اسلامی در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم تعابیری ناظر به نامهای گوناگون این ماده، نظیر تَنْ، شُرْبُ التَّن، تنباکو (نوعی توتون)، تَنْبَاک، شُرْبُ التَنْبَاک، تَبَخ/ طَبَخ، شُرْبُ التَبَخ، دُخَان، شُرْبُ الدُخَان، استعمال‌الدخان، قلیان/ غلیان، چپق، پپ شَطْب، سبیل و سیگار، و نیز ابزارهای کاربرد آن، به‌آثار فقهی راه یافت (← قاسمی، ص 87؛ مکی مالکی، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، ج 4، ص 436). از ابتدای ورود این ماده به بلاد اسلامی حکم استعمال آن، به‌عنوان یک مسئله فقهی مستحدث، مورد توجه قرار گرفت. استفتائات متعدد از فقها (← کتانی، ص 147، 226) و نگارش آثار مستقل بسیار درباره این مسئله (← ادامه مقاله) بیانگر آن است که حکم شرعی مواد دخانی، به‌ویژه در سده‌های یازدهم و دوازدهم، به‌صورت جدی برای متشرعان مطرح بوده‌است. در قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه و اهل سنت از احکام توتون سخن نرفته‌است. زیرا استعمال این گیاه در عهد پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام رواج نداشته و در نتیجه مورد پرسش نبوده‌است (← بخش 2). درباره حکم اولیة استعمال دخانیات در مذاهب مختلف فقهی، دو دیدگاه اصلی وجود دارد: حرمت و حلیت؛ هرچند برخی نیز آن را مکروه دانسته‌اند (← ادامه مقاله). گاه نیز به‌سبب مسائل سیاسی - اجتماعی حکم ثانویه بر این مواد مترتب شده‌است؛ مانند فتوای مشهور محمدحسن شیرازی (مرجع تقلید امامی، متوفی 1312) درباره تحریم هرگونه استعمال توتون و تنباکو در عهد ناصرالدین‌شاه. آرای مذکور در میان علمای هر یک از مذاهب چهارگانه اهل سنت پیروانی دارد و نمی‌توان به یک مذهب صرفاً یک نظر را نسبت داد (← همان، ص 194-236؛ الموسوعه الفقهیه، ج 10، ص 101-102، 104-105، 107). در میان عالمان امامی، اخباریان بر پایه مبنای خود در شبهات تحریمی فاقد نص، قائل به وجوب احتیاط شده و استعمال توتون و تنباکو را جایز ندانسته‌اند. در مقابل، اصولیان حکم به حلیت آن داده‌اند؛ تا آنجا که مدتها حرمت استفاده از دخانیات نماد تفکر اخباری و جواز آن مشخصه بارز اندیشه اصولی به‌شمار می‌رفت و مناظرات زیادی در این باب میان آنان صورت گرفت (← جزایری، 1408، ج 1، مقدمه موسوی جزائری، ص 41؛ سبحانی، 1384 ش، ص 422). نعمت‌الله جزایری\* (فقیه و محدث امامی، متوفی 1112) ضمن نام بردن از برخی علمای قائل به حرمت توتون و تنباکو، دیدگاه خود و قول مشهور علمای شیعه را در روزگار خود حلیت دانسته‌است (← 1404، ج 4، ص 55-60). به گزارش حسین نوری (متوفی 1320؛ ص 104) محمدباقر مجلسی نیز به حلیت استعمال دخانیات قائل بود. عالمان امامی درباره حلال‌بودن استعمال دخانیات رساله‌های فراوانی نوشته‌اند، شماری از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: رساله فی تحلیل التَّن و القهوه از سلیمان شاخوری (متوفی 1101)؛ اقامه‌البرهان علی حلیة القهوه و القلیان اثر علی رضوی لکهنوی؛ و فصل الخطاب از علی محمد لکهنوی (متوفی 1312) که در آن به نقد ادله فقهای اخباری بر حرمت پرداخته‌است. این رساله اخیر چاپ و به فارسی نیز ترجمه شده‌است (← آقابزرگ طهرانی، ج 2، ص 263، ج 11، ص 140، ج 16، ص 229؛ نیز ← افندی‌اصفهانی، ج 3، ص 207-210؛ آقابزرگ طهرانی، ج 22، ص 311؛ برای نمونه‌ای از اشعار فقهای امامی درباره حلیت دخانیات ← امین، ج 6، ص 167، ج 9، ص 285، ج 10، ص 219). علمای اهل سنت هم رسالتی در این باب نگاشته‌اند، از جمله: اللُّغ فی حکم شرب‌الطَّبَخ احمدبابا تَنْبُکْتی\*، غایة‌البیان لِجَلِّ شُرْب ما لَا یُعْتَبُ العَقْل من الدُّخَان نورالدین علی آجهوری (متوفی 1066)، هر دو از فقهای مالکی، و الصلح بین‌الإخوان فی حکم اباحه‌الدخان عبدالغنی نابلسی\*، فقیه و صوفی حنفی (← حاجی‌خلیفه، ج 2، ستون 1190-1191؛ بغدادی، ج 1، ستون 376، ج 2، ستون 70؛ کتانی، ص 169-171). فقهای امامی آثار متعددی نیز درباره حرمت استعمال دخانیات نگاشته‌اند (← آقابزرگ طهرانی، ج 2، ص 214، ج 4، ص 437، ج 11، ص 173-174، ج 16، ص 59-60). از جمله آنها، اثری از علی‌نقی کمره‌ای (متوفی 1060 ← نقی کمره‌ای\*) است که جزایری (1404، ج 4، ص 55) به نقل از پسر او، آن را کتابی مفصل دانسته‌است. افندی‌اصفهانی (ج 4، ص 273-276) نیز ضمن ارائه گزارشی از این اثر، استدلال‌های کمره‌ای را برای اثبات حرمت دخانیات مناقشه‌پذیر شمرده‌است. همچنین حرّ عاملی با تلخیص رساله کمره‌ای و افزودن مطالبی بر آن رساله‌ای در این‌باره پرداخته و آن را در الفوائد الطوسیه (فانده 51) درج کرده‌است (← ص 224-230). از نکات جالب توجه در این رساله، پرسش شاه‌سلیمان صفوی از حرّ عاملی است که از او سبب استعمال نکردن توتون و نوشیدن قهوه را پرسید و حرّ عاملی در پاسخ به رجحان توقف و احتیاط در مسائلی که نصّ شرعی ندارند و شبهه تحریم درباره آنها وجود دارد، اشاره کرد (← ص 230). فقهای اهل سنت هم آثار متعددی درباره حرمت دخانیات تألیف کرده‌اند، از جمله: نصیحة‌الإخوان فی اجتناب‌الدخان ابراهیم اُقَاتی (فقیه مالکی، متوفی 1041)، غایة‌الکشف و البیان فی تحریم شرب‌الدخان سلیمان فلّاتی، اعلام‌الإخوان بتحریم الدخان و تنبیه ذوی‌الادراک بحرمة تناول التنباک هر دو اثر ابن‌علّان (فقیه شافعی مکی، متوفی 1057)، نسیم‌البستان فی تحریم القهوه و الدخان علی میلی‌جمالی تونسسی (فقیه مالکی، متوفی 1248)، تحقیق البرهان فی شأن‌الدخان الذی یشربه الناس الآن اثر مرعی بن یوسف کرمی (فقیه حنبلی، متوفی 1303)، ترویج‌الجنان بتشریح حکم شرب‌الدخان عبدالحی لکنوی (فقیه حنفی، متوفی 1304) و نُحْفَةُ النَّسَاک فی شُرْبِ التَّنْبَاک عبدالرحمان اهدل (فقیه شافعی یمنی، متوفی 1250؛ حاجی‌خلیفه، ج 1، ستون 486، ج 2، ستون 1957؛ بغدادی، ج 1، ستون 100، 247، 262، 264، 284، ج 2، ستون 140؛ کتانی، ص 147-159؛ نیز ← اهدل\*، خاندان). نسخ خطی تعدادی از منابع مذکور اهل سنت (هم درباره حلیت و هم درباره حرمت استعمال دخانیات) در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است (← آوارت، ج 5، ص 54-51؛ نیز برای برخی تکنگاریها درباره دخانیات از منظر فقهی ← مدرسی طباطبائی،

ص 190-197). فقهایی که استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند به دلایل متعددی استناد کرده‌اند، از جمله اینکه دخانیات از مصادیق خبائث و مطابق نص قرآن (اعراف: 157) حرام است؛ هزینه استفاده از مواد دخانی، خرج کردن مال در امور بی‌ثمر است و از بارزترین مصادیق اسراف به‌شمار می‌رود؛ توتون از بلاد غیرمسلمان به سرزمینهای اسلامی وارد شده و کاربرد آن تقلید از روش کفار و تشبیه به آنهاست و افزون بر آن، هزینه‌ای که مسلمانان برای آن می‌پردازند مصداق پاری رساندن به کفار است و موجب تقویت آنان می‌شود. دیگر ادله و شواهد اقامه‌شده بر حرمت دخانیات عبارت‌اند از: مصداق لهو و لعب بودن آن، داشتن بوی زننده و تشابه آن به خمر، از آن رو که هر دو به عقل آسیب می‌رسانند و موجب سستی و خماری می‌شوند (برای تفصیل ادله ← حرّ عاملی، ص 224-230؛ جزایری، 1404، ج 4، ص 55-56؛ الموسوعة الفقهية، ج 10، ص 101-104؛ نیز ← کتّانی، ص 23-130). فقهای پیشین برای اقامه دلیل و برهان بر حرمت دخانیات کمتر به زیانهای جسمانی ناشی از استعمال دخانیات و قاعده لاضرر استناد کرده‌اند (برای نمونه ← حرّ عاملی، ص 224) و غالباً فقط از تأثیر سوء آن بر برخی مزاجها و ناسازگاری آن با طبایع اشخاص سخن گفته‌اند (← افندی اصفهانی، ج 3، ص 207-212؛ کتّانی، ص 111-112؛ مکی مالکی، ج 1، ص 377). اما در منابع متأخر فقهی، زیانهای متعدد این مواد، از منظر علم پزشکی، به جدّ مورد توجه قرار گرفته‌است و برخی فقها بر مبنای آیات قرآن (مثلاً بقره: 195)، قواعد عام از جمله قاعده لاضرر و نیز احادیث دالّ بر حرمت خوردن اشیای مضر، بر حرام بودن استفاده از مواد دخانی تأکید کرده‌اند (برای نمونه ← قرّضوی، ج 1، ص 661-666؛ مکارم شیرازی، ج 3، ص 173-174؛ نیز ← کتّانی، ص 38-55). شماری از فقهای قائل به حرمت، درباره استعمال‌کنندگان دخانیات اقدامات سخت‌گیرانه‌ای انجام داده‌اند (مانند نپذیرفتن شهادت قضائی آنان)؛ چنان‌که برخی از حاکمان بلاد اسلامی بر مبنای فتوای این گروه از فقها، در برابر استفاده از دخانیات موضع گرفتند و کاشت و خرید و فروش توتون و تنباکو را ممنوع اعلام داشتند یا به سوزاندن این مواد مبادرت کردند (← کتّانی، ص 162-165، 208-207؛ جزایری، 1408، ج 1، همان مقدمه، ص 102-103). قائلان به حلیت استعمال دخانیات، برای اثبات ادعای خود از قاعده اصالة الاباحه سود جسته و به استدلالهای مخالفان هم پاسخ گفته‌اند (← جزایری، 1404، ج 4، ص 57-60؛ کتّانی، ص 169-171؛ مکی مالکی، ج 1، ص 376-380؛ الموسوعة الفقهية، ج 10، ص 105-107). از نظر این دسته از فقها، دخانیات موضوع جدیدی است که در منابع دینی دلیلی بر حرمت استعمال آن وارد نشده‌است (برای نمونه ← ابن‌عابدین، ج 6، ص 459؛ انصاری، 1419، ج 2، ص 18؛ کتّانی، ص 158؛ غروی تبریزی، ص 249؛ توحیدی، ج 5، ص 303). فقهای اصولی در آثار خود در برابر اخباریان از حکم حرمت استعمال دخانیات به‌عنوان یکی از مصادیق شبهات حکمی (یعنی احکامی که چون در شرع و متون دینی بیان نشده‌اند، محل تردیدند) که احتیاط در آن واجب نیست، بسیار استفاده می‌کنند (برای نمونه ← انصاری، 1419، ج 1، ص 415-416؛ ج 2، ص 11، 28؛ اصفهانی، ج 2، ص 154؛ صدر، ج 1، ص 346). این گروه از فقها در پاسخ به استدلال مخالفان مبنی بر ضرر داشتن استعمال دخانیات، گفته‌اند که صرف داشتن ضرر، برای حکم مطلق به حرمت یک چیز کافی نیست. به تعبیر دیگر، حرمت تابع صرف وجود ضرر نیست؛ زیرا ضرر مفهومی غیرثابت و نسبی است که در اشخاص و زمانها و مکانهای مختلف متغیر است. به‌علاوه، اگر کاربرد مواد دخانی برای کسی به‌طور خاص زیان‌آور باشد، او باید از آن اجتناب کند، ولی مزاج افراد متفاوت است و دلیلی بر وجوب اجتناب همگان از آن وجود ندارد. اگر شخصی با زیادروی در مصرف دخانیات دچار بیماری شود، این کار به‌سبب زیان‌آور بودن بر او حرام می‌شود، ولی این حکم، عارضی دخانیات است نه ذاتی آن. به‌علاوه، اگر استفاده زیاد و مکرر از یک چیز برای فردی زیان‌آور و در نتیجه شرعاً حرام باشد، استفاده کم از همان چیز بر او حرام نمی‌شود و گرنه بسیاری از مباحات بر انسانها حرام می‌شد (← ابن‌عابدین، همانجا؛ کتّانی، ص 169-170؛ مکی مالکی، ج 1، ص 377-378؛ توحیدی، ج 1، ص 77-78). گفتنی است در اوج مناظرات و مباحثات فقهی درباره حکم مصرف دخانیات، گاه به مستندات غریبی هم استناد شده‌است؛ مثلاً خوابهایی که در آنها پیامبر اکرم، امامان یا بزرگان دین از مصرف مواد دخانی نهی یا آن را تجویز کرده‌اند. ظاهراً در برهه‌هایی این قبیل استدلالها بسیار رایج بوده‌است (← جزایری، 1404، ج 4، ص 54؛ کتّانی، ص 227-242؛ آقابزرگ طهرانی، ج 11، ص 173). در برخی بلاد اسلامی نیز احادیثی جعلی درباره نکوهش دخانیات و مصرف‌کنندگان آن رواج یافته‌بود (← کتّانی، ص 259-261). برخی فقهای اهل سنت با استناد به دلایلی از جمله یقین‌آور نبودن ادله تحریم دخانیات و نیز اینکه استفاده از این مواد فرد را از رسیدن به کمالات روحی باز می‌دارد، آن را مکروه شمرده‌اند (← ابن‌عابدین، همانجا؛ قرّضوی، ج 1، ص 658؛ الموسوعة الفقهية، ج 10، ص 107) و شماری دیگر در بیان حکم آن توقف کرده‌اند (← قرّضوی، ج 1، ص 656؛ قاسمی، ص 115). در منابع فقهی متقدم‌تر، به‌ویژه در فقه اهل سنت، حکم نوشیدن قهوه نیز در کنار مواد دخانی مورد توجه بوده (← حرّ عاملی، ص 227-229؛ افندی اصفهانی، ج 3، ص 210؛ ابن‌عابدین، ج 6، ص 461؛ قاسمی، ص 53-62؛ مکی مالکی، ج 1، ص 380-381) و در عناوین برخی رساله‌ها نام قهوه در کنار دخانیات ذکر شده‌است (برای نمونه ← کتّانی، ص 151؛ آقابزرگ طهرانی، ج 2، ص 263، ج 11، ص 140؛ برای مشاعرهای فقهی درباره قهوه ← امین، ج 4، ص 174). این مسئله شاید به‌سبب هم‌زمانی تقریبی ورود قهوه و توتون به کشورهای اسلامی یا تشابه آن دو از جهاتی مانند ایجاد نوعی اعتیاد در صورت مصرف مستمر آنها بوده‌است. برخی فقهای معاصر امامی، ضمن توصیه به ترک دخانیات، حکم به حرمت شرعی آن نداده‌اند (← امام خمینی، ج 2، ص 35-38؛ جواد تبریزی، ج 1، ص 498، ج 2، ص 464)؛ اما بعضی آن را مطلقاً حرام شمرده‌اند (← سبحانی، 1429، ص 494؛ مکارم شیرازی، ج 3، ص 173-174). به نظر گروهی دیگر، حکم استعمال دخانیات، بسته به مراتب ضرری که بر آن مترتب می‌شود، متفاوت است و این کار تنها در صورتی که برای فرد ضرر بسیار داشته‌باشد، حرام به‌شمار می‌رود (← خوبی، قسم 2، ص 423؛ منتظری، ج 2، ص 486، ج 3، ص 504؛ سیستانی، ص 110، 127، 197؛ خامنه‌ای، ج 2، ص 111). به تصریح برخی دیگر از فقها (← خوبی، قسم 1، ص 432؛ جواد تبریزی، ج 2، ص 464) زیانهای مطرح‌شده در علم پزشکی برای دخانیات، موجب حرمت شرعی مصرف آن برای همگان نمی‌شود. با این‌همه، فقها، حتی قائلان به حلیت، بر لازم‌الاتباع بودن محدودیتهای ایجادشده از جانب حاکم اسلامی در زمینه استعمال یا تجارت مواد دخانی تأکید کرده‌اند (برای نمونه ← امام خمینی، ج 2، ص 57؛ گلپایگانی، ج 1، ص 563-564؛ جواد تبریزی، ج 2، ص 244-245). گاهی فقها به‌استناد زبانی که مصرف دخانیات برای اشخاص دیگر که مصرف‌کننده آن نیستند، در

بردارد، آن را حرام شمرده‌اند؛ مانند آنکه جنین از سیگار کشیدن مادر زیان ببیند یا آنکه تدخین در مکانی صورت گیرد که دیگران از استنشاق دود و بو و مضرات آن در امان نباشند، از جمله در مکانهای عمومی. مستند فقهی این آرا نیز قاعده لاضرر است (برای نمونه ← محمدزمان تبریزی، ص 50؛ خویی، قسم 1، ص 434؛ خامنه‌ای، ج 2، ص 109). برخی منابع فقهی به احکامی دیگر درباره مواد دخانی پرداخته‌اند، از جمله: حکم سجده بر برگ توتون (باتوجه به این نکته که استعمال توتون به معنای خوردن آن نیست تا سجده بر آن مصداق سجده بر خوردنیها و نادرست باشد)، حکم استعمال دخانیات در مساجد و مجامع دینی، حکم کاشت و خریدوفروش توتون و تنباکو و حکم بازداشتن همسر از استعمال دخانیات (← حکیم، ج 5، ص 500؛ الموسوعة الفقهية، ج 10، ص 108-113). از مهم‌ترین احکام فقهی دخانیات، حکم استعمال آن در هنگام روزه‌داری است. برخی فقهای امامی مصرف مواد دخانی را موجب بطلان روزه دانسته‌اند. از جمله مستندات آنهاست: فحواى ادله دالّ بر مفطر بودن رساندن غبار غلیظ به حلق و الحاق دود به آن؛ کاربرد واژه شرب برای استعمال دخانیات در عرف عرب‌زبانان در این روزگار؛ سیره مسلمانان و ارتکاز متشرعان به مفطر بودن استعمال دخانیات (← نراقی، ج 10، ص 230؛ نجفی، ج 16، ص 235-236؛ آملی، ج 8، ص 35). شیخ‌جعفر کاشف‌الغطاء (ج 4، ص 32) در این باره قائل به تفصیل شده و دخانیات را تنها برای کسانی مفطر دانسته‌است که وابستگی شدیدی بدان دارند؛ به‌گونه‌ای که تناول این مواد موجب نشاط و تقویت مزاج آنان می‌گردد و برای آنها در حکم قوت و خوراک است (برای نقد این رأی ← رازی اصفهانی، ص 79). فقهای امامی در اثبات مفطر بودن دخانیات رساله‌های مستقلى نگاشته‌اند (← آقابزرگ طهرانی، ج 11، ص 152-153، ج 18، ص 22). گروه دیگری از فقیهان امامی به مفطر نبودن استعمال دخانیات فتوا داده‌اند و با تأکید بر تفاوت ماهوی غبار و دخان، مصرف دخانیات را مصداق خوردن و آشامیدن ندانسته‌اند. به نظر آنان کاربرد واژه شرب برای دخانیات در زبان عربی معاصر، ناظر بر چگونگی استعمال توتون و تنباکو پیش از پدید آمدن ابزار مخصوص آن است و اطلاق آن حقیقی نیست. باین‌همه، این گروه بر رعایت احتیاط و اجتناب از دخانیات در هنگام روزه‌داری تأکید کرده‌اند (← رازی اصفهانی، ص 77-81؛ انصاری، 1426، ص 5049؛ حکیم، ج 8، ص 261-262؛ مصطفی خمینی، ص 289-290، 387-389). دیدگاه دیگر در این باره آن است که در صورت اعتیاد و وابستگی شدید به دخانیات، استعمال آن در هنگام روزه‌داری جایز است (← مصطفی خمینی، ص 389). اما غالب فقهای معاصر امامی استعمال دخانیات را مفطر شمرده‌اند (برای نمونه ← جواد تبریزی، ج 1، ص 148؛ شبیری زنجانی، ص 334-335؛ مکارم شیرازی، ج 2، ص 149؛ سبحانی، 1429، ص 317) و به تصریح برخی دیگر از فقها، وابستگی شدید نیز مجوز استعمال دخانیات هنگام روزه‌داری نیست، حتی اگر تبعات ترک آن برای شخص معتاد مشکل‌آفرین باشد (← گلپایگانی، ج 1، ص 284؛ جواد تبریزی، ج 1، ص 139؛ خامنه‌ای، ج 1، ص 228-229). افتاء به حلیت استعمال دخانیات در حال روزه‌داری (مفطر روزه نبودن آن)، در عهد صفوی نیز مطرح بود و در عین حال گاهی واکنشهایی را در پی داشت؛ از این‌رو محمدتقی مجلسی که استعمال دخانیات را مبطل روزه نمی‌دانست و در روزه مستحبی خود این کار را انجام می‌داد، در روزه واجب از آن اجتناب می‌کرد (← جزایری، 1404، ج 4، ص 55؛ آقابزرگ طهرانی، ج 18، ص 22؛ رازی اصفهانی، مقدمه هادی‌زاده، ص 73). آثار مستقلى هم در موافقت با این رأی فقهی نگاشته شد، از جمله: رساله‌های فارسی از محمدتقی رازی نجفی اصفهانی (عالم مشهور امامی صاحب هدایةالمسترشدین ← آقابزرگ طهرانی، ج 15، ص 238؛ نیز ← اصفهانی\*، خاندان) که با عنوان شرب‌القلیان فی شهر رمضان چاپ شده‌است (← میراث حوزه اصفهان، دفتر 4، اصفهان 1386ش، ص 71-81)؛ کشف‌الاوهام فی حلیة شرب‌القلیان فی شهر الصیام از محمدتقی نوری‌طبرسی (← آقابزرگ طهرانی، ج 18، ص 22)؛ و المتن المتین از تاج‌العلماء علی‌محمد لکهنوی (متوفی 1311)؛ او پس از اینکه نقدی بر المتن نوشته شد، در رساله‌های دیگر به اشکالات ناقد پاسخ گفته‌است (← همان، ج 4، ص 221، ج 14، ص 54، ج 19، ص 71-72؛ نیز برای آثار دیگر ← همان، ج 8، ص 50، 90، ج 11، ص 152-153). فقهای اهل سنت بر مفطر بودن استعمال دخانیات اتفاق نظر دارند؛ تا آنجا که استنشاق عمدی دود مواد دخانی را نیز مبطل روزه دانسته‌اند. برخی از آنها مصرف عمدی دخانیات را مشمول کفارة روزه هم شمرده‌اند (← الموسوعة الفقهية، ج 10، ص 111-112). منابع: آقابزرگ طهرانی؛ محمدتقی آملی، مصباح‌الهدی فی شرح العروةالوثقی، تهران 1380؛ ابن‌عابدین، حاشیة رد المحتار علی الدر المختار: شرح تنویر الابصار، چاپ افست بیروت 1399/1979؛ محمدحسین اصفهانی، نهاية الدراية فی شرح الکفایة، ج 2، چاپ رمضان قلی‌زاده مازندرانی، قم 1375ش؛ عبدالستین عیسی افندی اصفهانی، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم 1401-؛ امام‌خمینی، استفتاآت، قم 1380ش؛ امین؛ مرتضی‌بن محمدامین انصاری، فراندالاصول، قم 1419؛ همو، کتاب‌الصوم، قم 1426؛ اسماعیل بغدادی، ایضاح‌المکنون، ج 1-2، در حاجی‌خلیفه، ج 43؛ جواد تبریزی، استفتاءات جدید، قم [بی‌تا.]. محمدزمان بن کلبعلی تبریزی، فراندالفوائد: در احوال مدارس و مساجد، چاپ رسول جعفریان، تهران 1373ش؛ محمدعلی توحیدی، مصباح‌الفقاهة، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خویی، قم 1377ش؛ نعمت‌الله جزایری، الانوار النعمانیة، بیروت 1404/1984؛ همو، کشف الاسرار فی شرح‌الاستبصار، چاپ طیب موسوی جزائری، قم 1408-؛ حاجی‌خلیفه؛ محمدبن حسن حرّعاملی، الفوائدالطوسية، چاپ مهدی لاجوردی حسینی و محمد درودی، قم 1403؛ محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، چاپ افست قم 1404؛ علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، ج 1، کویت 1995/1415، ج 2، بیروت 1999/1420؛ مصطفی خمینی، کتاب‌الصوم، تهران 1376ش؛ ابوالقاسم خویی، صرارة النجاة فی اجوبة الاستفتاءات، مع تعلیقات لجواد تبریزی، قم 1416-1423؛ محمدتقی‌بن عبدالرحیم رازی اصفهانی، رساله شرب‌القلیان فی شهر رمضان، چاپ مجید هادی‌زاده، در میراث حوزه اصفهان، دفتر 4، به‌اهتمام محمدجواد نورمحمدی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، 1386ش؛ جعفر سبحانی، تاریخ‌الفقه الاسلامی و ادواره، قم 1384ش؛ همو، رساله توضیح‌المسائل، قم 1429؛ علی سیستانی، استفتاءات المرجع‌الدینی الاعلی‌السید‌السبستانی مدظله، قم 2000؛ موسی شبیری زنجانی، رساله توضیح‌المسائل، قم 1430؛ محمدباقر صدر، درس فی علم‌الاصول، بیروت 1986/1406؛ علی غروی تبریزی، التتقیح فی شرح العروةالوثقی: کتاب الاجتهاد و التقليد، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خویی، قم 1410؛ محمدجمال‌الدین قاسمی، رساله فی‌النشای و القهوة و الدخان، بیروت 1429/2009؛ یوسف قرضاوی، من هدی‌الاسلام: فتاوی معاصرة، ج 1، کویت 2000/1420؛ جعفر بن خضر کاشف‌الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم 1380ش؛ محمدبن جعفر کتانی، حکم‌التدخین عندالائمة الاربعة و غیرهم، دمشق 1990/1411؛ محمدرضا

گلابیگانی، مجمع المسائل، ج 1، قم [?] 1409؛ حسین مدرسی طباطبائی، تاریخیات: مجموعه مقالات و تحقیقات تاریخی، نیوجرسی 1387/2009ش؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، گردآوری ابوالقاسم علیان نژادی، قم 1385ش؛ محمدعلی بن حسین مکی مالکی، تهذیب الفروق و القواعد السنیه فی الاسرار الفقهیه، در احمدین ادیس قرافی، الفروق، أو، أنوار البروق فی أنواء الفروق، بیروت 1998/1418؛ حسینعلی منتظری، رساله استفتاءات، قم [بی تا]؛ الموسوعة الفقهیه، ج 10، کویت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه، 1986 / 1407؛ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج 16، چاپ عباس فوجانی، بیروت 1981؛ احمدین محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج 10، قم 1417؛ حسین بن محمد تقی نوری، الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی، در مجلسی، ج 102؛ W. Ahlwardt, Verzeichniss der arabischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin, Berlin 1887-1899.